

به زبان زاد احمدی



در زمینه‌ی معنویت و اخلاق هم باید آرمان‌گرا بود. محیط دانشگاه به دلیل اینکه محیط جوان است، باید محیط پاکیزه‌ای باشد. بعضی خیال میکنند دانشگاه یعنی محیطی که در آن، تقید به دین و پایبندی به دین و اخلاق و اینها خیلی لزومی ندارد و مطلوب نیست. این ناشی از بنای غلطی است که در دوران طاغوت، در آغاز پیدایش دانشگاه، پایه‌ریزی شد. آن روز کسانی دانشگاه را به وجود آوردند که به اصل دین و معنویت و اخلاق اعتقاد نداشتند؛ شیفته‌ی غرب و فریفته‌ی اخلاقیات غرب بودند. البته آن شیفتگی و فریفتگی، شکل عمومی‌اش بود؛ یک عده‌ای شان هم مزدور و مأمور غرب بودند.

امام خامنه‌ای ۱۳۹۱/۵/۱۶

سرمقاله

سیده ریحانه انوشه | کارشناسی روانشناسی

سلام

حتما طولانی شدن تعطیلی دانشگاه‌ها شما را خسته کرده است و چند ماه خانه‌نشینی و دانشگاه نرفتن و دوری از دوستان موجبات دلتنگی شما برای دانشگاه و دوستانتان را فراهم نموده. احتمالاً دلتان لک زده برای روزهایی که در سلف ارم ناهار می‌خوردیم یا بر سر تاریخ امتحان جنگ و صلح می‌کردیم یا تماشای غروب بر فراز دانشگاه شیراز را نظاره‌گر بودیم... خیلی‌ها این روزها نگران نحوه برگزاری امتحان آن هم از نوع مجازی‌اش هستند. شفاهی است یا کتبی؟ از کل کتاب یا از بخشی از آن؟ به هر حال این ترم با همه چالش‌هایش تجربه جدیدی برای همه ما بود اما ما تلاش کرده این نشریه را برای شما دانشجوی آرمانگرا تهیه و تنظیم کنیم تا در این روزهای کرونایی تنها نباشید. اگر دوست داشتید مطالعه کنید.

در همین روزهای کرونایی اتفاق مهم دیگر آغاز به کار مجلس یازدهم بوده است. با پایان یافتن کار مجلس دهم و آغاز کار مجلس یازدهم درباره لایحه‌ای که نشان دهنده صداقت و تعهد نمایندگان می‌باشد بررسی به عمل آوردیم. در واقع مردم دوست دارند شفافیت و یکرنگی را در نمایندگان خود در آینه رای‌ها و موضع‌گیری‌هایشان ببینند. لایحه شفافیت آرا صدق دعوی نمایندگان در خصوص خدمت به مردم را به خوبی مشخص می‌کند اما متأسفانه چندان مورد استقبال نمایندگان پیشین قرار نگرفت. گویی نمایندگان هم مثل دانشجویان امتحان را دوست ندارند. امیدواریم در آینده‌ای نه چندان دور شاهد شفافیت آرای نمایندگان مجلس و همچنین شفافیت در نحوه اجرای قوانین مصوب مجلس باشیم.

گاه‌نامه‌نامه فرهنگی سیاسی
اجتماعی اقتصادی دانشگاه شیراز
شماره مجوز: ۱۹۰ / ک ن ش

سال چهارم | شماره نهم | تیرماه ۱۳۹۹
صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز

مدیر مسئول: سید مصطفی رضوی
سرمدبیر: سیده ریحانه انوشه
هیات تحریریه: سیده ریحانه انوشه، مرصاد خلفی
محمد مهدی عوض پور، محمدحسین عوض پور
طراح و صفحه آرا: هادی عظیمی
پل ارتباطی جهت انتقاد و پیشنهاد و همکاری:
r.eyhane.anoshe@gmail.com



در این شماره می‌خوانید:

من مسئول نیستم |

صفحه ۲

مردم‌های جامعه |

صفحه ۳

نقد فیلم ۲۳ نفر |

صفحه ۵

مثل پدر |

صفحه ۷

استاد مجازی |

صفحه ۸

من مسئول نیستم

مرصاد خلفی | کارشناسی مهندسی کامپیوتر

طرح شفافیت آرای نمایندگان، ابتدا در آذرماه سال ۱۳۹۶، مطرح و با امضای ۱۶۰ نماینده اعلام وصول شد؛ اما موافقان در رای گیری ۵۹ نفر بودند که در نهایت، یک فوریت طرح در جلسه علنی مجلس رد شد.

اما آیا به راستی این طرح لازم است؟ چه تحولی در ساختار حکومتی و قانون گذاری به وجود می آورد؟ تا کنون، طرح های مختلفی با این عنوان مطرح شده که فارغ از تمام تفاوت های موجود، هدف اصلی یک نکته است: 'اعلام عمومی رای به صورت مشروح در مذاکرات مجلس به نحوی که برای آحاد مردم در دسترس باشد.' این در حالی است که در وضعیت کنونی، تنها، تعداد آرای موافق، مخالف و ممتنع اعلام می شود و اسامی نمایندگان صاحب رای، مطرح

نمی شود. قبل از بررسی طرح، به این سوال می پردازیم: مسئول کیست؟ و نمایندگان چه وظایف و مسئولیت هایی در برابر رای مردم دارند؟ کلمه 'مسئول'، در فرهنگ لغت معین، به معنی 'پرسیده شده' آمده است. فردی که نسبت به فعالیت و عملکردش باید پاسخگو باشد، گاه به مردم و گاه به یک سازمان یا

یک فرد. بی شک نمایندگان مجلس، از این قاعده مستثنی نیستند و باید نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند. اما اگر به خوبی بنگریم، می بینیم که کار نظارت بر نمایندگان، حق مردم و موکلان است؛ چرا که نمایندگان مجلس که به صورت مستقیم و با رای مردم انتخاب می شوند، افراد مستقلی نیستند، بلکه این مردم هستند که به نمایندگان هویت بخشیدند و در واقع، نمایندگان، عصاره و چکیده مردم در بحث قانون گذاری اند.

پس با توجه به حق نظارت موکل بر عملکرد وکیل، نماینده مجلس موظف است به موکلان خود که همان مردم اند، پاسخگو باشد و در غیر این صورت، عملاً مردم پس از انتخابات مجلس از دایره قانون گذاری، به کلی حذف می شوند؛ که دقیقاً در تضاد با اصل مردم سالاری است.

این نظارت همگانی مردم بر نمایندگان، بی شک نتایج بسیاری

در پی خواهد داشت: از رانت خواری جلوگیری می شود؛ مدیران سالم از غیر سالم باز شناخته می شوند؛ فسادها وزد و بندهای برخی از نمایندگان، افشا شده و در نتیجه، نقش مردم در قانون گذاری افزایش خواهد یافت. اما در نبود این نظارت، همانگونه که شاهد هستیم، هیچ یک از نمایندگان، مسئول عمل خویش نیستند؛

به طوری که اگر رای نمایندگان مجلس، باعث خسارت به جامعه شود؛ نه تنها توسط هیچ نهادی مواخذه نمی گردد بلکه مردم نیز از آرای نمایندگان خود، اطلاع نخواهند یافت. که البته مثال های آن فراوان است: از عدم استیضاح وزیر بی کفایت تا تصویب لوایح و قوانین فاسد که در این چند سال بسیار شاهد آن بوده ایم و هیچ شخصی نمی تواند آن را انکار کند.

برای نمونه، می توان به قانون موسسات مالی اشاره کرد که به گفته رئیس سازمان برنامه و بودجه، ۳۶ هزار میلیارد تومان، به دولت ضربه و خسارت وارد نموده که ناشی از قانون فاسدی است که توسط نمایندگان، تصویب شده بود و بنابراین قانون، وزارت تعاون می تواند

مجوز صدور موسسات مالی و اعتباری را بدهد؛ ولی امروز شاهدیم که هیچ شخص و نماینده ای، مسوولیت آن را قبول نمی کند. اما مخالفان این طرح معتقدند که این طرح باعث می شود نمایندگان، پس از رای گیری تحت فشار قرار بگیرند؛ در پاسخ باید گفت: نماینده ای که توان دفاع از رای خود را نداشته و نمی تواند آزاد باشد؛ قطعاً صلاحیت نشستن بر کرسی مجلس را ندارد.

در نهایت، با توجه به این مسائل، باید گفت: این قانون، بی شک یکی از حیاتی ترین و ضروری ترین طرح هایی است که باید به تصویب برسد و امیدواریم در مجلس یازدهم، مورد بررسی قرار گرفته و با تصویب و رای نمایندگان، اجازه نظارت همگانی به مردم داده شود.

منابع: - خبرگزاری تسنیم

- خبرگزاری تابناک

- وب سایت مگیران

- خبرگزاری ایران آنلاین



مردم‌های جامعه

سیده ریحانه انوشه | کارشناسی روانشناسی

مقدمه

از جمله مسائلی که بسیار اهمیت دارد و در هر دوره‌ای درباره آن صحبت می‌شود، بحث عوام و خواص در جامعه ونحوه عمل آن‌ها است. منظور از عوام چه کسانی است؟ منظور از خواص چه کسانی است؟ انتظار از هر کدام چگونه است؟ عمل هر کدام چه تاثیری بر حرکت جامعه در مسیر درست آن می‌تواند داشته باشد؟ این‌ها سوالاتی هستند که سعی می‌کنیم در این مقاله کوتاه، به آن‌ها پاسخ بدهیم.

تحوالات گوناگون در طول تاریخ، نشان داده است که عملکرد هر یک از این دو گروه، تاثیرات بسزایی در حرکت کلی جامعه، به سوی خوشبختی یا بدبختی خواهد داشت؛ البته، اشتباهات خواص در امور اجتماعی، اثر تخریبی بیشتری خواهد داشت؛ ولی اگر عوام دچار اشتباه شوند، اثر کمتری دارد؛ زیرا مسوولیت کمتری دارند. البته نکته مهم این است که تشخیص درست و حرکت بجا، از طرف خواص نیز بسیار حائز اهمیت است و مسیر کلی جامعه را تعیین می‌کند.

عوام و خواص از نگاه نهج البلاغه

در نهج البلاغه، عامه به معنای "عموم مردم و جمع خالص مردم" می‌باشد و شامل دسته‌های مختلف اجتماعی با هویت‌های گوناگون می‌شود. در مقابل، خواص، به معنی "گروه برجسته و مخصوص از مردم" اند که به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و دینی، از سایر مردم متمایز شده‌اند. عامه مردم، برخلاف خواص از سلطه و قدرت، مال و مکننت و احترام خاصی برخوردار نیستند؛ این‌ها نوعاً، به فطرت اولیه انسانی و سلامت نفس، نزدیک‌ترند و به ارزش‌های اخلاقی کمالات ایمانی، آراسته‌تر و به پذیرش حق و تسلیم در برابر آن، متمایزتر هستند.

در توصیه امیر مومنان^(ع) به مالک اشتر درباره ویژگی‌های عوام و خواص آمده است: «باید محبوب‌ترین کارها در نزد تو، اموری باشند که در حق، با میانه روی موافق‌تر و در عدالت عام‌تر و گسترده‌تر و با رضایت رعیت، هماهنگ‌تر است؛ چراکه خشم عامه مردم، خشنودی خواص را بی‌اثر می‌سازد و ناخشنودی خاصان، در عین رضایت عموم، جبران‌ناپذیر است و احدی از رعایا از نظر هزینه زندگی در حالت آسایش و صلح بر والی سنگین‌تر و به هنگام بروز مشکلات در همکاری کمتر و در اجرای انصاف، ناراحت‌تر و به هنگام درخواست سوال، پراصرارتر و پس از عطا و بخشش، کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع خواسته‌ها، دیر عذر پذیرند و در ساعات رویارویی با مشکلات، کم‌استقامت‌تر از خواص نمی‌باشند؛ ولی پایه دین و جمعیت مسلمین و ذخیره دفاع در برابر دشمنان، تنها عامه امت‌اند.

بنابراین باید گوش تو به آن‌ها و میل تو با آنان باشد.» (farsi.khame-
(nei.ir)

مردم، ولی نعمت ما

در همین ارتباط، امام خمینی^(ره) بیان داشتند: «مردم، ولی نعمت ما هستند.» اگر این عوام مردم نباشند؛ خواص وجود پیدا نخواهد کرد و از طرف دیگر، هزینه خدماتی که دولت برای رفاه خواص متحمل می‌شود، سنگین‌تر و چند برابر است؛ چرا که خواص به هنگام مشکلات و گرفتاری، با دولت همیاری و همپایی نمی‌کنند و در اجرای عدالت و حقوق، دلگیر می‌شوند؛ برای رسیدن به خواسته‌های خویش، پافشاری می‌کنند و پس از برآورده شدن خواسته‌های خود سپاسگزار کسی نمی‌شوند؛ دلیل، عذر و منطق، برایشان بی‌معنی خواهد بود و در وسط معرکه جا خالی کرده و فرار می‌کنند. عامه مردم، دیندار و استوارکننده دین‌اند؛ شکوه و جلال و عظمت جماعت مسلمین را نمایش می‌دهند و در صحنه دفاع از امت، ذخیره‌ای فناپذیراند.

گفتاری از دکتر کوشکی

دکتر کوشکی، درباره این مساله اشاره کرده‌اند: «خواص در جامعه تعریف‌های گوناگونی دارد: بخشی از خواص، کسانی هستند که روزگاری نخبه بوده‌اند؛ این افراد، ممکن است همچنان ویژگی‌های نخبگی را داشته یا از دست داده باشند؛ بخشی از خواص، به دلیل به دست گرفتن مقام‌های مهم، در زمره این افراد قرار گرفته‌اند؛ بخش دیگری به دلیل داشتن اطلاعات بسیار، خواص نامیده می‌شوند. افراد به دلایل متفاوتی در جرگه خواص، وارد می‌شوند. خواص به دو دسته اهل حق و اهل باطل، تقسیم می‌شوند: خواص اهل حق، همان نخبگان هستند و خواص اهل باطل، در جبهه باطل فعالیت می‌کنند؛ در این زمینه قرآن فرموده است: «کسانی که ولی آنان خدا است، به سمت نور در حال حرکت هستند و کسانی که پیرو طاغوت‌اند، به سمت ظلمت حرکت می‌کنند.»

در این جا باید ذکر کرد که "نخبه"، در تعریف دینی به کسی گفته می‌شود که براساس آگاهی، نسبت به محیط پیرامون و جامعه خود، احساس مسؤلیت می‌کند؛ این افراد، فراتر از منافع مادی، به منافع اجتماعی می‌اندیشند و به دنبال افزایش کیفیت زندگی، چه از نظر مالی و چه از نظر انسانی، در جامعه خود هستند. نخبه ممکن است گمنام، مشهور، کشاورز یا یک زن خانه دار باشد؛ برای نخبه بودن، مهم موقعیت شغلی یا سن افراد نیست؛

ادامه‌ی مطلب را در صفحه بعد بخوانید...

مردم — ای جامعه

ادامه ی مطلب از صفحه قبل...

اما اگر خواص، جز اهل باطل شوند، مم.کن است جامعه هم به همین سمت و سو حرکت کند.

امام علی^(ع) در این زمینه فرموده اند: «مردم در هر زمانی، به حاکمان خود شبیه ترند تا به پدران و مادران خود.» این سخن، الگو بودن خواص جامعه را نشان می دهد.

اگر خواص بدعمل کنند؛ چه مشکلاتی برای مردم پیش می آید؟

تعبیر معروفی وجود دارد که اگر عالمی فاسد شود، عالمی را فاسد کند؛ به عبارت دیگر اگر عالم از علم خود به جای کسب رضایت خداوند و درمسیر حق بودن، درمسیراهداف شخصی و غرور، بهره بگیرد؛ این کار، مقدمه ای می شود برای بسیاری از کسانی که از این فرد یا مرآم پیروی می کنند؛ زیرا افراد جامعه، به خواص اعتماد دارند.

در بحران اخیر کرونا نیز به خوبی می توان تاثیر نقش خواص بر موضع گیری و نحوه عمل مردم را مشاهده کرد.

رهبر معظم انقلاب، با تشویق مردم به همکاری با مسئولین و متخصصین پزشکی و همچنین کمک به مستمندان، موجب شدند تا مشکلات پیش آمده بر اثر کرونا، هر چه زودتر رفع شود. مراجع تقلید و کارشناسان مذهبی تلاش کردند با سخنرانی های خود، مردم را با مسوولین همراه کنند و آنان را به رعایت هر چه بیشتر نکات بهداشتی تشویق کنند. بسیاری از افراد مشهور، با معرفی راه های "چگونه در خانه ماندن"، تلاش کردند تا مردم بهتر بتوانند از عهده این مساله بر بیایند.

مردم نیز به بهترین صورت نقش خود را انجام دادند:

بسیاری از مردم تلاش کردند با در خانه ماندن و رعایت نکات بهداشتی، مانع شیوع بیشتر کرونا شوند؛ علاوه بر آن، بعضی از این هم فراتر رفتند و در بسیج محلات و پایگاه های مقاومت، اقدام به تولید لباس مخصوص پزشکی و ماسک کردند؛ هم چنین در رزمایش همدلی و مواسات نیز مردم به بهترین شکل ممکن ظاهر شدند و بیشترین توان خود را برای کمک به مستمندان و مستضعفان حقیقی خرج کردند و آن ها را در بحران اقتصادی کرونا یاری دادند. مردم نیز به بهترین صورت نقش خود را انجام دادند.

منابع

۱. پایگاه اطلاع رسانی دکتر کوشکی koushki.com
۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله خامنه ای www.khamenei.ir
۳. اسکندری، علی. ماهنامه همراه. آذر ۷۹
۴. سلیمانی امیری، جاوید. ریزش خواص در حکومت علوی

بلکه آگاهی، رفتار عقلانی، احساس مسئولیت، به دنبال افزایش کیفیت در جامعه خود بودن و... است و مبتنی بر دین، اهمیت بسیاری دارد.» (koushki.com)

بنابراین، نخبگان می توانند جز دسته خواص باشند یا نباشند؛ همچنین خواص به دو دسته اهل حق و اهل باطل، تقسیم می شوند. باید توجه داشت که موضع گیری ها و حرکت خواص، بر موضع گیری ها و حرکت عوام، تاثیر بسیاری دارد؛ بسیاری از مردم در تصمیم گیری های شان، به افرادی که آن ها را معتبر می دانند از میان خواص که البته گاهی ممکن است جز خواص اهل باطل باشند، متکی هستند.

مشکل حضرت علی^(ع) در زمان حکومتش، خواص بودند که حق را فهمیدند و به آن عمل نکردند؛ کسانی که علی رغم تمام تاکیدهای پیامبر اسلام^(ص) بعد از فوت ایشان، امام علی^(ع) را به عنوان خلیفه وامیر مومنان نپذیرفتند و بر اساس آنچه از قبل، میان خودشان پیمان بسته بودند، عمل کردند؛ همین باعث شد که جامعه اسلامی برای سال ها عقب بیوفتد و از حرکت شتابان خود باز بماند.

رهبرانقلاب اسلامی نیز در این زمینه فرموده اند: « ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جامعه است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آن ها هستند که می توانند فکر ملت ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه نجات ملت ها شود؛ هم چنان که خدای نخواست، می توانند به سمتی ببرند که مایه ی بدبختی و اسارت و تیره روزی ملت ها شود؛ این دومی، متأسفانه در طول هفتاد-هشتاد سال اخیر، در برخی از کشورها، از جمله در کشور خود ما، اتفاق افتاد. روایتی است از رسول مکرم اسلام، حضرت محمد^(ص) که می فرماید: " لا تصلح عوام هذه الامه الا بخواصها قبل یا رسول الله ومن خواصها قال العلماء." اول علما را ذکر کرد بعد چند دسته دیگر را. بنابراین، اساتید دانشگاه، فرزندان و نخبگان علمی در هر کشوری می توانند سررشته دار حرکت مردم شوند؛ البته به شرط اخلاص، به شرط شجاعت، به شرط نترسیدن از دشمنان. اگر ترس آمد؛ اگر طمع آمد؛ اگر غفلت آمد؛ اگر تنبلی آمد؛ کار خراب خواهد شد؛ اگر ترس نبود، شجاعت بود؛ اگر طمع نبود؛ اگر غفلت نبود؛ هوشیاری و بیداری بود؛ آن وقت کار درست خواهد شد.» ۱۳۹۱/۹/۲۱ (khamenei.ir)

وظیفه خواص در جامعه چیست؟

اگر این خواص، نقطه قوت خود را در خدمت به جامعه و منافعش قرار دهند؛ این حرکت در بین مردم به تدریج شایع می شود و جامعه هم به همین سمت و سو حرکت می کند؛ هم چنین سبب افزایش نقاط قوت در جامعه می شود؛

نقد و بررسی فیلم ۲۳ نفر

محمد مهدی عوض پورا کارشناس سیمهندسی مکانیک



به تصویر کشیدن این اختلافات و درگیری‌های درونی به باور پذیر شدن داستان «۲۳ نفر» کمک می‌کند زیرا هیچگاه در یک جمع، همه با نظرات یکدیگر صد در صد موافق نیستند. ۲۳ نفر قصه نوجوانانی است که در سال‌های ابتدایی جنگ و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، در سال ۶۱، در جریان تلاش برای آزادسازی خرمشهر، اسیر می‌شوند. نوجوانانی که هنوز روی لبه کودکی راه می‌روند، دنیایشان، با جنگ آمیخته شده، انگار نیرویی آن‌ها را به سمت جلو و بزرگ شدن هل می‌دهد و وقتی چاره‌ای نباشد، باید بزرگ شد، حتی بعضی وقت‌ها چندروزه. نوجوانانی که از روز ورودشان به جنگ، دنیای دیگری را دیده‌اند، حالا نمایش دیگری از انسان می‌بینند.

در سال دوم جنگ تحمیلی، عراق تبلیغات وسیعی روی استفاده نیروهای نظامی ایران از کودکان کرد. علاوه بر تبلیغات معمول یک گروه بیست و سه نفره از بچه‌های زیر ۱۵ سال ایرانی از بین اسرا انتخاب کردند و بردند جلوی دوربین‌ها. نقطه اوج این داستان اما وقتی بود که گروه اسرای کم‌سن و سال ایرانی با صدام ملاقات کردند و این ملاقات در اوج جنگ از تلویزیون عراق پخش شد و دختر خردسال صدام به هر کدام از این اسرا یک گل هدیه داد. این بچه‌ها قرار بود آزاد شوند اما در نهایت تا سال ۶۹ و آزادی اسرای ایرانی در زندان ماندند.

ادامه مطلب را در صفحه بعد بخوانید...

۲۳ نفر فیلمی به کارگردانی مهدی جعفری محصول سال ۱۳۹۷ می‌باشد. این فیلم برای نخستین بار در سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و در تاریخ ۲۰ آذر ۹۸ در سینماهای ایران اکران شد. فیلم «۲۳ نفر» فیلمی در ژانر دفاع مقدس است. اولین تفاوت این فیلم با فیلم‌هایی که اخیراً در این ژانر ساخته شده‌اند این است که صحنه‌های جنگی و کشت و کشتار در آن به حداقل رسیده است و به گونه‌ای متفاوت به مسئله جنگ می‌پردازد. این فیلم قصد دارد نشان دهد چگونه در جنگ از کودکان اسیر شده برای تبلیغات منفی علیه طرف مقابل استفاده می‌شده است. کارگردان، رگه‌هایی از طنز را هم در فیلم بکار برده است تا فارغ از داستان جنگی فیلم، شیطنت‌های کودکانه این اسیران را نیز به مخاطب نشان دهد. خصوصیت دیگر فیلم «۲۳ نفر» این است که کارگردان بجای آنکه هر یک از این ۲۳ نفر را شخصیت پردازی کند سعی کرده است تا کل آن‌ها را یک شخصیت واحد نشان دهد که در تصمیمات و اعمالشان با یکدیگر همراهی می‌کنند. در راستای همین مقصود صحنه‌های کمی در فیلم وجود دارد که یکی از این اسیران به صورت تکی در قاب باشد و در بیشتر صحنه‌ها مخاطب شاهد این است که همه این ۲۳ نفر یا حداقل چندتای آن‌ها در قاب تصویر هستند. البته در جاهایی از فیلم می‌بینیم که اختلافاتی بین آن‌ها به وجود می‌آید.

نقد و بررسی فیلم ۲۳ نفر

ادامه ی مطلب از صفحه قبل...

استفاده از فیلم‌های مستند در سکانس دیدار صدام با ۲۳ اسیر ایرانی در میانه فیلم و همینطور استفاده از تصاویر واقعی رسیدن اسیران جنگ به ایران، فیلم را به واقعیت نزدیک کند. او در اینکار تا حدی موفق بوده است. در صحنه‌ای ملاصالح خبر آزادی خرمشهر را به بچه‌ها می‌دهد و آن‌ها خوشحالی می‌کنند. صحنه خوشحالی آن‌ها که به صورت اسلوموشن نشان داده می‌شود و با موسیقی همراه است بیش از حد طولانی شده و ریتم فیلم را انداخته است. همچنین این صحنه با هدف کارگردان که نزدیک کردن فیلم به واقعیت بوده است همخوانی ندارد و تنها توجیه آن برانگیختن احساسات مخاطب بوده است. فیلم از لحاظ فضا سازی هم توانسته است مخاطب را جذب کند. استفاده از اتاقی بزرگ با دیوارهای تیره و تقریباً سیاه در مقابل نور و روشنی محوطه بیرونی زندان حس اسارات را بخوبی منتقل می‌کند. همچنین استفاده از اتاقی نورانی برای سکانس ضبط صدای اسیران در حالیکه آن‌ها را کتک می‌زنند و وقتی ضبط روشن می‌شود با آن‌ها بخوبی رفتار می‌کنند تناقض موجود در صحنه را بخوبی منتقل می‌کند. تناقضی که ناشی از این موضوع است: مدام به این اسیران می‌گویند شما اسیر نیستید اما مانند اسیر با آن‌ها رفتار می‌شود. بازی‌های فیلم همگی قابل قبول است اما بهترین بازی فیلم برای بازیگر نقش ملاصالح «سعید آلبوعبادی» است که مانند بازیگری حرفه‌ای با باورپذیری و چشم نواز کرده است.

اما برای نکته‌ی آخر در این بحث باید اشاره کنم که می‌شود همینطور مشکلات حسی و دراماتیک فیلم را پشت هم ردیف کرد و حتی بیشتر از این‌ها گفت اما باید توجه داشت که ۲۳ نفر با این مشکلات به هیچ وجه از نفس نمی‌افتد و علیرغم این لکنت‌ها از بهترین‌های چند سال اخیر سینمای ایران است. کار جعفری در ساختن یک روح جمعی متعین، با داستانی متعین و باوراندن یک اسارت خاص به تماشاچی حقیقتاً ستودنیست. علاوه بر این، ۲۳ نفر می‌تواند نقطه‌ی اتکایی باشد برای معرفی ایران و سینمایش به مخاطب جهانی که پیش از آن توانسته حس افتخار به هر ایرانی بدهد. ۲۳ نفر را ببینیم تا کمی حالمان در این وانفسای بی‌مسئله‌گی، ابتدال، بی‌هویتی و بی‌سوادی بهتر شود.

داستان اسارت و بعد کنفرانس‌های خبری و گردش‌های نمایشی گروه در بغداد و فیلم گرفتن از این گردش‌ها و سرانجام دیدار با صدام و بعد اعتصاب غذا برای انتقال به اردوگاه بین سایر اسرا بخش‌های دیگر این داستان هستند که یکی بعد از دیگری به تصویر کشیده می‌شوند. اما داستان یک نقطه ثقل اساسی هم دارد به نام ملاصالح قاری که داستان با شرح بازجویی او شروع می‌شود و با نشان دادن عاقبتش به پایان می‌رسد.

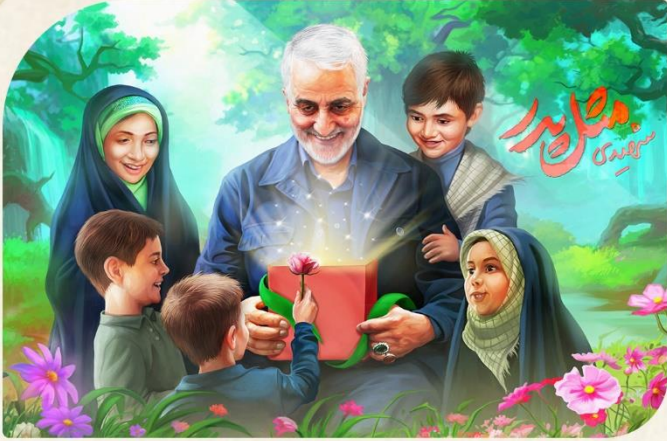
۲۳ نفر فیلمی است قصه‌گو. در بعضی جاها کمی به سانتی مانتالیسم می‌افتد اما استاندارد متوسطی از داستان‌گویی را حفظ می‌کند. موفق می‌شود به چندتا از بچه‌ها، حالا از طریق لهجه یا مزه‌پرانی یا زبان ترکی یا تلاش برای رهبری کردن گروه، فردیت بدهد تا پس از پایان فیلم در ذهن‌ها مانده باشند. اما بخش اعظم موفقیت‌های فیلم به کستینگ فیلم و انتخاب بازیگر ملاصالح برمی‌گردد. چهره او و بازی اش و میزان راحت بودنش جلوی دوربین و جهی سمپاتیک به او می‌بخشد و این وجه سمپاتیک برای فیلم واجب‌اندر واجب است. ملاصالح مرد عربی است که او هم اسیر عراقی هاست اما در زندان استخبارات عراق نقش مترجم را بین اسرا و فرماندهان عراقی بازی می‌کند. موقعیت ملاصالح موقعیت غریبی است. پراز سو تفاهم است. طبیعی است بین بچه‌ها به او سوظن وجود داشته باشد و مشکوک باشند به روابط بین او و بعثی‌ها و اینکه آیا واقعا مامور عراقی هاست برای کنترل آن‌ها یا دوست بچه‌هاست و می‌توانند به او اعتماد کنند. موقعیت ملاصالح بین عراقی‌ها هم مشکوک است. چندسال بعد ملاصالح قاری را با اولین گروه از اسرا معاوضه می‌کنند و در ایران متهم به خیانت می‌شود و تا آزادی اسرای ایرانی از عراق در سال ۶۹ مدت پنج سال در ایران به زندان می‌افتد. کسی که از هرسو در فشار است. اگر نبود نشانه‌های مهربانی و پدرانگی در رفتار و صورت و میمیک بازیگر نقش ملاصالح سمپاتیک بودنش از بین می‌رفت و ستون اصلی فیلم فرو می‌پاشید.

درنهایت، ۲۳ نفر بی‌زرق و برقی و بی‌ادعایی دارد که از فیلم‌های اوج بعید است، اما دقیقاً لازمه قصه‌اش است و بهترین رویکرد برای بازنمایی چنین قصه‌ای هم سادگی در پرداخت و دوری آگاهانه از شعارزدگی و حماسی سرایی است و به همین دلیل در پایان یک حماسه واقعی شکل می‌گیرد.

برای بررسی مبانی کارگردانی و فیلمنامه نویسی باید گفت که کارگردان در فیلم «۲۳ نفر» قصد داشته است با

مثل پدر

سیده ریحانه انوشه | کارشناسی روانشناسی



نمی دانم آیا شما هم مثل من زمانی که خبر شهادت سردار را شنیدید حس کرید پدرتان را از دست داده‌اید؟ اما به واقع خیلی‌ها از خانواده‌های شهدا که سردار برایشان پدری کرده بود چنین احساسی داشتند. حاج قاسم پدری بود برای ملت ایران. اینجا قرار است خاطره‌ای از یکی از جلوه‌های پدری کردن ایشان را روایت کنیم؛

داشتند بازی می‌کردند که علی باشوق گفت: "فردا قرار است حاج قاسم به خانه ما بیایند." محمد حسین قند در دلش آب شد. پیش خودمان بماند فکر می‌کنم حسودی‌اش هم شد. تمام شب در فکر این بود که اگر فردا به در خانه علی برود و آنجا حاج قاسم را ببیند چقدر خوب می‌شود! حتی یک لحظه دیدار ایشان هم غنیمت است. به هر در دسری بود شب را خوابید. وقتی بیدار شد از مادر پرسید: ساعت چند است؟ مادر هم که می‌دانست محمد حسین چقدر مشتاق دیدار فرمانده قدرتمند سپاه قدس است، گفت: ساعت ۸ است. صبحانه‌ات را بخور و برو. حاج قاسم قرار بود ساعت ۹ بیایند.

سریع صبحانه‌اش را خورد و لباس‌هایش را پوشید و به در خانه علی رفت. در هوای بسیار سرد زمستانی دو ساعت منتظر ماند تا بالاخره حاج قاسم را دید دلش نیامد خواسته‌اش را به حاج قاسم نگوید. خیلی صبر کرد تا دیدارشان تمام شود. هم می‌خواست حاج قاسم را دوباره ببیند هم خواسته‌اش را به ایشان بگوید. با این که خجالت می‌کشید گفت: شما فقط به دیدار خانواده شهیدان مدافع حرم می‌روید؟

حاج قاسم گفت: نه پسر. من به خانواده همه شهیدان سر میزنم. مهربانی و رأفت از نگاه و شکر خند لب و سخنان شیرین او می‌بارید.

آقای پور جعفری به سردار گفتند که پدر این پسر از همکاران ما هستند و این به موافقت سردار کمک کرد. محمد حسین از شادی در پوست خود نمی‌گنجید. باورش نمی‌شد که سردار به این راحتی در خواست را قبول کرده‌اند. می‌دانست وقت ایشان به اندازه یک چای خوردن در کنار آنها هم تنگ است...

بالاخره تلاش‌های محمد حسین نتیجه داد و همسر من تماس گرفت و گفت که حاج قاسم دارند به خانه ما تشریف می‌آورند. نمی‌توانستم جلوی اشک‌هایم را بگیرم. شوقی که آن روز داشتم قابل وصف نیست! شاید باورتان نشود ولی احساس می‌کردم قرار است بعد از ۳۳ سال پدرم را ببینم.

انتظار سخت است حتی اگر برای ربع ساعت باشد... تمام سعی و تلاشم را کردم و تمرکز را جمع کردم تا توانستم بچه‌ها را آماده

کنم و خانه را هم مرتب کنم. خیلی خیلی خوشحال و هیجان زده بودم. بالاخره زنگ در به صدا درآمد.
- این جا منزل دختر دختر شهید است؟
- بله بفرمایید داخل.

مدتی که در منزل ما بودند مرا دخترم خطاب می‌کردند. این همه لطافت و صمیمیت را از سر داری نظامی انتظار نداشتم... بعد از سال‌ها احساس می‌کردم که پدرم در کنارم است. با بچه‌ها بسیار مهربان و صمیمی بودند حتی خودشان پیشنهاد دادند که با بچه‌ها عکس یادگاری بگیرند. محمد حسین که حالا دیگر با حاج قاسم صمیمی شده بود، دست در گردن ایشان انداخت و عکس یادگاری گرفتند. محمد حسین گفت: "خیلی دوست داشتم بزرگ بودم و می‌توانستم از حرم حضرت زینب دفاع کنم."

سردار گفتند: "شما باید خود را برای جنگ با صهیونیست آماده کنید. انشاءالله در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشید." چه خیال شیرینی! محمد حسین را در رکاب امام زمان (عج) می‌دیدم.

بعد از آن به محمد حسین گفتند کاغذی بیاور تا برای پدرت مطلبی بنویسم و در آن سفارش مرا به همسرم کردند:

عزیز برادرم آقا اسماعیل
سلام علیکم

چه سعادت‌تی داری که دختر برگزیده خداوند در خانه تو است. قدر دخترم سعید هوش را بدان. انشاءالله سربلند باشی.
برادرت قاسم.

در آخر حاج قاسم گفتند: "یک خواسته از شما دارم. برای من دعا کنید که محتاج دعای شما هستم. اگر فرزندان شهدا برای من دعا کنند حتماً به آرزویم که شهادت می‌رسم."

تصور نبودن ایشان برایم سهمگین بود، گفتم: "دعا می‌کنم همیشه پیروز و سربلند باشید و سایه شما بر سر نظام اسلامی باشد. دوست ندارم برای شهادت شما دعا کنم. هنوز خیلی زود است." اما شهادت برای ایشان خواستنی‌تر از این حرف‌ها بود... نور و صفایی که در آن دیدار نصیب من و فرزندانم شد بی نظیر بود. آن دیدار را هرگز فراموش نخواهم کرد.

انشاءالله خداوند ایشان را با اولیا برگزیده‌اش محشور کند.

استاد مجازی

چیزی که استاد فکر می‌کنه:



محدثین عوض پورا | کارشناسی حسابداری

با وارد شدن میهمان ناخوانده، کرونا، به فضای دانشگاه خوشحال و شاد و خندان به خانه رفتیم تا ایام مفرح کرونایی را پای هر وسیله‌ای به جز کتاب و جزوه بگذرانیم؛ روز اول را کاملاً خوابیدم، روز دوم هم کاملاً خوابیدم، روز سوم و چهارم هم همینطور. کم کم داشتیم به خوابیدن عادت می‌کردم که از روز n ام قرنطینه پیامی از طرف دانشگاه به دستم رسید که از ۱۶ فروردین ماه کلاس‌های به صورت مجازی برگزار می‌شوند! از آنجایی که این پیام اهمیت والایی داشت، بالش زیر سرم را وارونه کردم و باز به خواب رفتم.

بالاخره روز موعود فرا رسید، با شلوار راحتی و زیر پیراهنی در رخت خواب، مثل همیشه با ده دقیقه تاخیر به کلاس ریاضی ۲ رفتم.

استاد بعد از رویت اسم من گفت: «به به! شما در کلاس‌های مجازی هم دیر حاضر می‌شوی؟!»

من که همیشه در اینطور مواقع گیر نیامدن تاکسی و یا ترافیک را بهانه می‌کردم، به علت نداشتن تجربه کافی کلاس مجازی، داشتیم تسلیم می‌شدم که گفتم: «استاد اینترنت ضعیف بود.» امیدانم این بهانه از کجا به ذهنم رسید اما آنچنان موجه بود که استاد با وجود تاخیر حضری من را زد؛ اما تا آمد تدریس را شروع کند، دوستم قنبری وارد شد. استاد با لهجه‌ی شیرین ترکی خود گفت: «آگای قنبری شما چرا دیر آمدی؟!» قنبری گفت: «استاد من تازه شنبه صبح فهمیدم که کلاس مجازی برگزار می‌شود.»

استاد با او هم با لطافت برخورد کرد و ضمن حضری زدن برای قنبری، ادامه داد: «خب دانشجویان عزیز امیدوارم قند نداشته باشید چراکه درس امروز ما مبحث شیرین انتگرال هست... در ابتدا... ما... لذا... پس...» دیگر هیچ صدای نیامد؛ گویا سیستم Adobe connect استاد قطع شده بود.

چند لحظه‌ای را اینگونه به سر بردیم تا اینکه معاون آموزشی به کلاس آمد و یک توپ را به دست من داد و گفت: «بروید در چمن‌های دسک تاپ بازی کنید تا زنگتان بخورد!» بعد از چند دقیقه استاد به کلاس بازگشت اما این بار اگر فیلم ژاپنی بدون زیرنویس فارسی نگاه می‌کردیم، بهتر از صدای استاد متوجه می‌شدیم! بعد از ۵ دقیقه صدای استاد صاف و درست شد و گفت: «دانشجویان عزیز این ترم به خاطر شرایط خاصی که دارد ما اساتید باید بیشتر از گذشته هوای شما دانشجویان را داشته باشیم، در همین جهت ان‌شا... پس فردا از کل مبحث انتگرال امتحان جامع گرفته خواهیم گرفت.» و باز ارتباط ما با استاد قطع شد. من هم که از کیفیت بالای کلاس مجازی و درک وافر اساتید محترم به ذوق آمده بودم، برای تجدید قوا باز به آغوش گرم رخت خواب پناه بردم.